



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



بعثت رسول خدا

سیدہ ہاشمہ رسولی خراسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعثت رسول خدا (۲)

نویسنده:

سید هاشم رسولی محلاتی

ناشر چاپی:

سید هاشم رسولی محلاتی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	بعثت رسول خدا (۲)
۶	مشخصات کتاب
۶	بحث درباره تاریخ و زمان بعثت
۱۰	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بعثت رسول خدا (۲)

مشخصات کتاب

نویسنده: سید هاشم رسولی محلاتی

ناشر: سید هاشم رسولی محلاتی

بحث درباره تاریخ و زمان بعثت

بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۶۸ و این هم پاسخی است به برخی از اهل سنت که خواسته‌اند روایت عایشه را توجیه کرده و آن حالت رسول خدا «ص را که در آن حدیث آمده با روایات دیگری که در این باره رسیده که چون وحی بر آن حضرت نازل میشد حالت غش او را میگرفت... و این هم حدیث دیگری در این باره که در کتاب توحید صدوق (ره) (ص ۱۰۲) آمده: «...عن عیید بن زرارۀ، عن ایبه قال: قلت لابی عبد الله علیه السلام: جعلت فداک الغشیة التي كانت تصیب رسول الله صلی الله علیه و آله اذا نزل علیه الوحي؟ قال: فقال ذلك اذا لم یکن بینہ و بین الله احد، ذاک اذا تجلی له، قال: ثم قال: تلك النبوة یا زرارۀ، و اقبل یتخشع @. و بلکه در پاره‌ای از روایات آمده است که جبرئیل هیچگاه بدون اجازه قبلی نزد رسول خدا «ص نمی‌آمد، و هرگاه نیز که اجازه میگرفت هنگام ورود با کمال ادب و مانند بنده‌ای در حضور آنحضرت جلوس میکرد، که این هم متن آن حدیث دیگر که شیخ صدوق (ره) در کتاب علل از امام صادق علیه السلام روایت کرده: عن ابی عبد الله علیه السلام قال: کان جبرئیل اذا اتی النبی صلی الله علیه و آله قعدین یدیه قعدۀ العبد، و کان لا یدخل حتی یستاذنه. [۱]. اکنون بنگرید «تفاوت ره از کجا است تا بکجا» و چه اندازه فرق است میان روایات اهل سنت و روایات شیعه در معرفی جبرئیل و رسول خدا «ص و داستان وحی و ورود فرشته وحی بر رسول خدا «ص؟ و خود قضاوت کنید! و این نیز حدیث دیگری در این باره که عیاشی در تفسیر خود آنرا از زرارۀ از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. «عن زرارۀ قال: قلت لابی عبد الله علیه السلام: کیف لم یخف رسول الله صلی الله علیه و آله فیما یاتیه من قبل الله ان یکون ذلك مما یتزغ به الشیطان؟ قال: فقال: ان الله اذا اتخذ عبدا رسولا نزل علیه السکینة و الوقار، فکان یاتیه من قبل الله عز و جل مثل الذی یراه بعینه. زرارۀ گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چگونه رسول خدا «ص در آنچه بر او از سوی خدا نازل می‌گشت ترس آنرا نداشت که از وساوس شیطان باشد؟ امام علیه السلام فرمود: برآستی که خدا هرگاه بنده‌ای را به رسالت انتخاب می‌کند آرامش و وقار خود را بر او فرومی‌فرستد، بدانگونه که هر چه از جانب خدای عز و جل بر او نازل گردد همانند چیزی است که به چشم خود می‌بیند... [۲]. در این حدیث این مطلب که رسول خدا «ص در مورد وحی الهی هیچگونه شک و تردیدی بخود راه نمیدهد مسلم فرض شده و علت آنرا زرارۀ می‌پرسد؟ و این هم روایتی درباره ماجرای بعثت رسول خدا «ص که چون راوی و سندی ندارد چندان معتبر نیست ولی ناقل آن مرحوم ابن شهر آشوب است که در مناقب آنرا روایت کرده که می‌گوید: و روی انه نزل جبرئیل علی جیاد اصف و النبی صلی الله علیه و آله بین علی علیه السلام و جعفر، فجلس جبرئیل عند راسه، و میکائیل عند رجله، و لم ینبهاه اعظاما له، فقال میکائیل: الی ایهم بعثت؟ قال: الی الاوسط، فلما انتبه ادى الیه جبرئیل الرسالة عن الله تعالی، فلما نهض جبرئیل ليقوم اخذ رسول الله صلی الله علیه و آله بثوبه ثم قال: ما اسمک؟ قال: جبرئیل، ثم نهض النبی صلی الله علیه و آله لیلحق بقومه فما مر بشجرة و لا مدرة الا سلمت علیه و هناته، ثم کان جبرئیل یاتیه و لا یدنو منه الا بعد ان یستاذن علیه، فاتاه یوما و هو باعلی مکة فغمز بعقبه بناحیه الوادی فانفجر عین فتوضا جبرئیل، و تطهر الرسول، ثم صلی الظهر و هی اول صلاة فرضها الله عز و جل، و صلی امیر المؤمنین علیه السلام مع النبی صلی الله علیه و آله، و رجع رسول الله صلی الله علیه و آله من یوم هالی خدیجة فاخبرها، فتوضات و صلت صلاة العصر من ذلك الیوم [۳]. - و روایت شده که جبرئیل بر اسبی زرد رنگ (و یا در مکانی بنام جیاد) بر آنحضرت نازل

گشت و رسول خدا «ص میان علی علیه السلام و جعفر خفته بود، پس جبرئیل در کنار سر آنحضرت نشست و میکائیل در کنار پای او و بخاطر عظمت و بزرگی آنحضرت وی را بیدار نکردند، میکائیل گفت: بسوی کدامیک از اینان مبعوث گشته‌ای؟ گفت: به این که در وسط خفته‌ام! چون رسول خدا «ص از خواب بیدار شد جبرئیل رسالت‌خدا را به آنحضرت ابلاغ کرد، و چون جبرئیل خواست که برخیزد رسول خدا «ص جامه‌اش را گرفت و بدو گفت: نام تو چیست؟ گفت: جبرئیل، آنگاه رسول خدا برخواست تا به قوم خود ملحق شود که به هیچ درخت و سنگی نمی‌گذشت جز آنکه بر او سلام کرده و مژده‌اش میدادند. و پس از آن جبرئیل نزد او می‌آمد ولی به آنحضرت نزدیک نمی‌شد تا از وی اذن بگیرد پس روزی در حالی که رسول خدا «ص در بالای مکه بود بنزد وی آمد و در گوشه‌ای از آن وادی جائی از زمین را فشار داد و چشمه‌ای پدیدار شد و جبرئیل وضوء گرفت و رسول خدا «ص نیز تطهیر کرد آنگاه نماز ظهر را خواند، و آن نخستین نمازی بود که خدای عز و جل فرض کرد، و امیر المؤمنین علیه السلام نیز با آنحضرت نماز خواند، و رسول خدا «ص در همان روز بنزد خدیجه باز گشت و جریان را به او خبر داد و او نیز وضوء ساخته و نماز عصر را در همان روز خواند... و از روایت ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه که در داستان مجاورت رسول خدا «ص در غار «حراء» میگوید: «... حتی جاءت السنه التي اكرم الله فيها بالرسالة فجاور في حراء شهر رمضان و معاهله: خديجة و علي بن ابيطالب و خادم لهم، فجاهه جبرئيل بالرسالة...» [۴]. معلوم میشود که علی علیه السلام و خدیجه نیز در ماجرای نزول وحی و بعثت و در غار حراء همراه رسول خدا؟ «ص بوده‌اند... ولی سند حدیث و مصدر آنرا متأسفانه نقل نکرده، و همین قدر در آغاز آن گفته: «و قد ورد في الكتب الصحاح . شریعت قبل از بعثت بحث پایانی این بخش: در پایان بحث از ماجرای بعثت رسول خدا (ص) - طبق وعده‌ای که دادیم- لازم است مقداری هم درباره شریعت و آئینی که رسول خدا (ص) قبل از بعثت از آن پیروی میکرده بحث شود، زیرا این مطلب از نظر تاریخ مسلم است که: اولاً- رسول خدا (ص) در تمام دوران زندگی قبل از بعثت خود، لحظه‌ای در برابر بتها پرستش نکرد، و از آئین مشرکین و بت پرستان و سنتها و مراسم شرک آلود و غلط ایشان پیروی نکرد، و از «اکل میتة و ذبائحي که نام خدا بر آنها ذکر نشده بود نمی‌خورد، و اینکه در صحیح بخاری و مسند احمد بن حنبل آمده است که گویند: برای رسول خدا (ص) سفره غذایی حاضر کردند، و زید بن عمرو بن نفیل [۵] را نیز بر سر آن سفره خواندند، ولی زید از حضور بر سر آن سفره خودداری کرده گفت: «انا لا آكل مما تذبحون على انصابكم، و لا آكل الا ما ذكر اسم الله عليه من از آنچه شما بر بتهای خود ذبح میکنید نمی‌خورم و جز آنچه را نام خدا بر آن برده شده نخواهم خورد. و در نقل احمد بن حنبل هست که رسول خدا (ص) بر سر سفره‌ای با سفیان بن حارث غذا می‌خورد و زید از آنجا عبور کرد و آن دو او را به خوردن دعوت کردند و او چنین پاسخی داد... [۶] مخدوش و غیر قابل قبول است و از اینرو خود اهل سنت و آنها که صحیح بخاری را صحیحترین کتابهای حدیثی میدانند نتوانسته‌اند آنرا بپذیرند و در صدد توجیه برآمده که از آنجمله سهیلی در کتاب «الروض الانف گوید: «كيف وفق الله زيدا الى ترك ما ذبح على النصب و ما لم يذکر اسم الله عليه و رسوله (ص) كان اولی بهذه الفضيلة في الجاهلية لما ثبت من عصمة الله تعالى له [۷] یعنی چگونه خداوند به زید این توفیق را عنایت کرد که از خوردن ذبیحی که برای بتها ذبح شده و یا نام خدا بر آن جاری نشده بود خودداری کند، ولی به رسول خدا چنین توفیقی نداد، با اینکه رسول خدا (ص) به چنین فضیلتی سزاوارتر بود بخاطر عصمتی که از سوی خدای تعالی داشت: و آنگاه در صدد پاسخ و توجیه برآمده و گوید: «ليس في الرواية انه قد اكل من السفره و بان شرع ابراهيم انما جاء بتحریم الميتة لا بتحریم ما ذبح لغیر الله تعالی فرید امتنع عن اكل ما ذبح لغیر الله برای رآه لا بشرع ما تقدم یعنی- در روایت نیامده که آنحضرت از آن سفره چیزی خورد، و از این گذشته شرع ابراهیم میتة را حرام کرده بود نه آنچه را که نام خدا بر آن جاری نشده بود، و از اینرو زید طبق رای خود از خوردن آن غذا خودداری کرد نه بخاطر شریعت گذشته. ولی برای خواننده محترم روشن است که این پاسخ نمیتواند اشکال و شبهه را از ذهن انسان رفع کند و بهتر آن است که اصل حدیث را که بگفته ایشان بر خلاف دلیلهائی است که عصمت رسول خدا (ص) را ثابت کرده مردود بدانیم و آنرا نپذیریم. و همچنین حدیث «استلام اصنام - دست و صورت مالیدن به

بتها بعنوان تبرک و احترام- که در روایات ایشان آمده [۸] و روایات دیگری که حکایت از مشارکت آنحضرت در مراسم شرک آمیز آنها میکنند همگی مردود و مخالف با مبانی و اصول خود آنها در باب نبوت آن بزرگوار است. ثانیاً از نظر تاریخ مسلم است که آنحضرت قبل از بعثت عبادتهائی از قبیل نماز و روزه و طواف و حج و عبادتهای دیگری انجام میداده چنانچه در حدیث عایشه و دیگران در ماجرای بعثت این جمله بود که: «فکان یخلو بغار حراء فیتحنث فیه و «تحنث را به «تعبد» معنا کرده بودند. و مرحوم فتال نیشابوری در روضه الواعظین گفته: «رسول خدا (ص) از اول تکلیف روزه میگرفت و نماز می گذارد، بعکس آنچه در میان قوم معمول بود و چون به سن چهل سالگی رسید خداوند بوسیله جبرئیل او را مامور به ابلاغ رسالت فرمود...» [۹] و اکنون با توجه به این دو مقدمه این بحث پیش آمده که آیا رسول خدا (ص) در پیروی از مرام مقدس توحید و عمل به دستورات و اعمال دینی تابع چه شریعتی بوده؟ آیا شریعت انبیاء گذشته و یا شریعت خود یعنی شریعت مقدس اسلام که بعداً مامور به ابلاغ و اظهار آن گردید... و در آن وقت تنها خود آنحضرت مامور به پیروی و انجام اعمال آن بود... و بنابر آنچه گفته شد تذکر این نکته در اینجا لازم است که به نظر نگارنده طرح این بحث بنحوی که در کتابهای دانشمندان اسلامی اعم از دانشمندان شیعه و اهل سنت- آمده خالی از نوعی تسامح و بی دقتی نیست زیرا آن مسئله را به این نحو و با این عبارت طرح کرده و گفته اند: «اعلم ان علماء الخاصه و العامه اختلفوا فی ان النبی (ص) هل کان قبل بعثته متعبدا بشریعته ام لا...» [۱۰] و یا این عبارت که از یکی از دانشمندان بزرگ اهل سنت است که میگوید: «و قد اختلف العلماء فی تعبد قبل البعثه هل کان علی شرع ام لا؟» [۱۱] یعنی علماء اختلاف دارند در اینکه تعبد و انجام عبادتهای آنحضرت پیش از ماجرای بعثت آیا بر طبق شرعی از شرایع بوده یا نه؟ و وجه تسامح و بی دقتی همین است که اعمال و عبادات آن بزرگوار بطور مسلم بر طبق شریعتی انجام میشده که آن شریعت یا شریعت پیمبران گذشته بوده و یا شریعت خود آن بزرگوار... و شاید مرحوم علامه (ره) در شرحی که بر مختصر ابن حاجب نگاشته و عبارت آنرا مرحوم مجلسی در بحار الانوار نقل کرده متوجه این مطلب بوده که بحث را اینگونه مطرح فرموده: «اختلف الناس فی ان النبی (ص) هل کان متعبدا بشرع احد من الانبياء قبله قبل النبوه ام لا...» [۱۲] که برای اهل تحقیق روشن است که این عبارت از آن تسامح و اشکال خالی است و بهر صورت مسئله آنقدر مهم نیست که بیش از این مقدار وقت شما را بگیریم و این مقدار هم از باب تذکر بنظر لازم آمد. و بهتر آن است که به اصل بحث باز گردیم و بحث را اینگونه طرح کنیم که: آیا رسول خدا (ص) قبل از بعثت تابع چه شریعتی از شریعتهای الهی بوده؟ جمعی معتقدند که آنحضرت تابع شریعتهای پیمبران قبل از خود بوده؟ و گروهی نیز معتقدند که تابع شریعت خود یعنی شریعت اسلام بوده، با این توضیح که در آنزمان بدان حضرت وحی میشد و به اصطلاح «نبی بود، و موظف بود بدانچه بر او وحی میشد بدان عمل کند، ولی «رسول نبود و وظیفه نداشت آنها را بدیگران ابلاغ کند، تا سن چهل سالگی که به منصب رسالت مفتخر گردید و موظف شد این آئین مقدس را بدیگران نیز ابلاغ کند. گروه اول نیز که عقیده دارند آنحضرت تابع شریعتهای پیمبران قبل از خود بوده درباره آن شریعت و آن پیامبر اختلاف نظر دارند و چهار نظریه درباره آن شریعت ذکر شده: ۱- شریعت نوح علیه السلام ۲- شریعت ابراهیم علیه السلام ۳- شریعت موسی علیه السلام ۴- شریعت عیسی علیه السلام و در اینجا نظریه پنجمی هم ابراز شده و آن این است که گفته اند: هر چه نزد آنحضرت ثابت شده بود که شریعت است از آن پیروی کرده و بدان عمل میکرد و پیرو شریعت مخصوصی نبود. و بنظر میرسد غرض ورزی و دست سیاست بازان و قصه پردازان یهود و نصاری هم در این مسئله راه یافته باشد و برای اثبات اینکه شریعت اسلام پیرو همان شرایع یهود و نصاری است و رسول خدا (ص) نیز تابع موسی و عیسی بوده به این بحث دامن زده و احیاناً اظهار نظرهایی کرده باشند زیرا آنها که باک نداشتند ابراهیم علیه السلام را یهودی یا نصرانی بخوانند هیچ باکی نداشتند که رسول خدا (ص) و سلاله ابراهیم علیه السلام را یهودی و یا نصرانی بدانند! و بهر صورت هر یک از دو دسته برای مدعای خود دلیلهائی ذکر کرده اند و دانشمندان نیز آنها را در کتابهای خود بتفصیل نقل کرده اند که فشرده‌ای از آنها میتواند در بحار الانوار مجلسی (ره) بخوانید [۱۳] و بنظر ما آنچه در میان دلیلهای دسته اول (یعنی آنها که گفته اند رسول خدا

تابع شریعت‌های قبل از خود بوده) مهم و قابل بحث می‌باشد چند آیه قرآنی است و بقیه گفتارها اجتهادات و یا روایات ضعیفی است که از نقل آنها صرف‌نظر می‌کنیم. و به نقل همان آیات اکتفای نمی‌نمائیم: ۱- آیه ۹۰ از سوره انعام است که خدای تعالی پس از ذکر نام جمعی از پیامبران چون ابراهیم و فرزندان آن بزرگوار فرماید: / اولئك الذين هداهم الله فبهدهم اقتده / آنها هستند که خداوند ایشانرا هدایت و راهنمایی فرمود، و تو نیز از هدایت آنها پیروی کن... و پاسخی که از استدلال به این آیه داده شده آن است که منظور از این هدایت و پیروی از آن همان اصول مورد اتفاق همه‌ادیان است نه فروع شرعیه زیرا پر واضح است که فروع در ادیان گذشته مورد اختلاف بوده... نگارنده گوید: مؤید این پاسخ نیز همان نزول آیه است که پس از بعثت رسول خدا (ص) نازل گشته و میتوان گفت: این آیه ربطی به بحث ما که بحث از شریعت رسول خدا (ص) قبل از بعثت می‌باشد ندارد... و از همین پاسخ می‌توان پاسخ استدلال به آیات دیگری را نیز که در اینباره شده است دانست مانند آیه: / شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا و الذی اوحینا الیک و ما وصینا به ابراهیم و موسیو عیسی، ان اقیموا الدین و لا تفرقوا فیه کبر علی المشرکین ما تدعوهن الیه... / [۱۴]. که با توجه به صدر و ذیل آیه بخوبی روشن میشود که منظور همان اصول عقایدی است که در همه ادیان بوده است... و آیه شریفه / ثم اوحینا الیک ان اتبع مله ابراهیم حنیفا... / [۱۵] که منظور از پیروی «مله ابراهیم همان اصول عقلیه است نه فروع شرعیه، بدلیل آیه دیگری که فرموده: / و من یرغب عن مله ابراهیم الا من سفه نفسه / [۱۶] و پر واضح است که بسیاری از فروع شرعیه آئین ابراهیم نسخ شده و اگر منظور از «مله ابراهیم همه اصول و فروع بود با توجه به این آیه نسخ آنها جایز نبود... و آیه: / انا اوحینا الیک کما اوحینا الی نوح و النبیین... / [۱۷] و بخصوص آیه اخیر که ظاهرا مربوط به اصل مسئله وحی و کیفیت آن است و ربطی به مسئله مورد بحث ما ندارد... و اما دلیل گروه دیگر که گفته‌اند: رسول خدا (ص) پیرو شریعت و آئین خود یعنی آئین مقدس اسلام بوده روایات بسیاری است که برخی از آنها صراحت در این مطلب دارد و از برخی با توجه به روایات و شواهد دیگر استفاده مطلب از آنها میشود که از دسته نخست روایاتی است که صراحت دارد بر اینکه رسول خدا (ص) قبل از بعثت نیز «نبی و پیامبر بوده. ۱- مانند روایت مشهوری که در کتابهای شیعه و اهل سنت آمده که رسول خدا (ص) فرمود: «کنت نبیا و آدم بین الروح و الجسد» [۱۸] من پیامبر بودم در وقتی که آدم میان روح و بدن بود... و در برخی از کتابها این گونه نقل شده که فرمود: «کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین: و برای فهم بهتر این استدلال باید این مطلب را نیز اضافه کرد که بعثت پیامبران الهی که برتر و خاتم آنها پیامبر بزرگوار اسلام بوده است مراحل و درجاتی داشته- چنانچه از روایات نیز استفاده میشود- که یکی از آن مراحل «نبوت است و این مرحله قبل از مرحله رسالت بوده و مرحله نبوت آن بزرگواران مرحله‌ای بوده که از طریق فرشتگان و یا در خواب و یا از طریق الهام به آنها وحی میشده و دستورات و یا خبرهایی از جانب خدای تعالی به ایشان داده می‌شد که مامور به عمل بدان میشدند ولی مامور به ابلاغ و رساندن آنها بدیگران نبودند و در این مرحله آنها «نبی بودند نه رسول و برای درک بیشتر این مطلب به روایات زیر توجه کنید که در باب «طبقات الانبیاء و الرسل و الائمة از کتاب شریف کافی و جاهای دیگر نقل شده مانند این روایت که کلینی (ره) بسند خود از زید شهم روایت کرده که گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «ان الله تبارک و تعالی اتخذ ابراهیم عبدا قبل ان يتخذ نبیا و ان الله اتخذ نبیا قبل ان يتخذ رسولا و ان الله اتخذ رسولا قبل ان يتخذ خلیلا و ان الله اتخذ خلیلا قبل ان يجعله اماما فلما جمع له الاشیاء قال: انی جاعلک للناس اماما» [۱۹] براستی که خدای تعالی ابراهیم را به بندگی خویش برگرفت پیش از آنکه به نبوت برگردد، و خدای تعالی او را به نبوت خویش برگرفت پیش از آنکه به رسالت برگردد، و به رسالت برگرفت پیش از آنکه بدوستی خود برگردد، و به دوستی برگرفت پیش از آنکه به امامت برگردد و چون همه اینها را برای او گرد آورد فرمود «من تو را برای مردم امام قرار دادم و نیز بسندش از زراره روایت کرده که گوید: از امام باقر علیه السلام معنای آیه شریفه «و کان رسولا نبیا» و فرق میان «رسول و نبی را پرسیدم و آنحضرت در پاسخ من فرمود: «النبی الذی یری فی منامه و یسمع الصوت و لا- یعاین الملک و الرسول الذی یسمع الصوت و یری فی المنام و یعاین الملک...» [۲۰] و نبی کسی است که در خواب (فرشته را) ببیند و صدای (او)

را) بشنود ولی به عیان فرشته را نبیند و رسول کسی است که صدا را بشنود و در خواب ببیند و در عیان نیز او را مشاهده کند. و بسندش از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «الانبياء والمرسلون علی اربع طبقات، فنبی منبأ فی نفسه لا یعدو غیرها و نبی یری فی النوم و یسمع الصوت و لا- یرایه فی الیقظه و لم یبعث الی احد...» [۲۱] پیامبران و رسولان بر چهار طبقه هستند گاهی «نبی است که تنها به او خبر رسیده و از او بدیگری تجاوز نکنند، و گاهی «نبی است که در خواب ببیند و صدا را بشنود و در بیداری نه ببیند و بسوی دیگری هم مبعوث نشده... و روایت دیگری که از یزید کناسی روایت کرده که گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: آیا عیسی بن مریم در آهنگام که در گهواره سخن فت حجت خدای تعالی بر مردم زمان خود بود؟ امام علیه السلام در جواب من فرمود: «کان یومئذ نبیا حجة لله غیر مرسل، اما تسمع لقوله تعالی حین قال انی عبد الله آتانی الکتاب و جعلنی نبیا» [۲۲] وی در آنروز «نبی و حجتی بود از سوی خدا ولی «مرسل و فرستاده بسوی کسی نبود، آیا این گفتار خدای تعالی را نشنیده‌ای آهنگام که عیسی گفت «من بنده خدایم که کتاب بمن داده و مرا «نبی قرارم داده. و از روایت اخیر و استشهاد به آیه قرآنی بخوبی معلوم میشود که مقام نبوت مقامی است که ممکن است به پیامبران در گهواره نیز داده شود چنانچه به عیسی علیه السلام داده شد...» [۲۳] و بخصوص با توجه به روایاتی که خداوند هیچ فضیلت و کرامت و معجزه‌ای به پیامبری از پیامبران خود عطا نفرمود جز آنکه آنرا به رسول خدا (ص) نیز عطا فرمود مانند روایت مفصلی که از ارشاد القلوب دیلمی نقل شده که امیر المؤمنین علیه السلام بمردی یهودی که در اینباره سؤال کرد فرمود: «فوالله ما اعطی الله عز و جل نبیا و لا مرسله درجه و لا فضیله الا و قد جمعها لمحمد (ص) و زاده علی الانبیاء و المرسلین اضعافا...» [۲۴] بخدا سوگند که خدای عز و جل به هیچ نبی و مرسلی درجه و فضیلتی عطا نفرمود، جز آنکه آنرا برای حضرت محمد (ص) گرد آورده و بلکه چند برابر آنها افزوده است... ۲- دلیل دوم، سخن امیر المؤمنین علیه السلام است در «خطبه قاصعه که در نهج البلاغه و کتابهای دیگر از آنحضرت نقل شده که درباره رسول خدا (ص) فرمود: «و لقد قرن الله به (ص) من لدن ان کان فظیما اعظم ملک من ملائکته یسلک به طریق المکارم و محاسن اخلاق العالم لیله و نهاره خدای تبارک و تعالی از لحظه‌ای که پیغمبر را از شیر گرفتند بزرگترین فرشته از فرشتگان خود را قرین او فرمود تا اخلاق نیکو و صفات پسندیده را به وی بیاموزد... و معنای تعلیم فرشته جز همان نبوت چیز دیگری نیست. و در چند روایت در اصول کافی آمده که منظور از «روح در آیات سوره شوری و اسراء یعنی آیه شریفه / و کذلک او حین الیک روحا من امرنا / [۲۵] و آیه / یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی / [۲۶] همین فرشته بوده، که یکی از آنها روایت زیر است که کلینی بسند خود از ابی بصیر روایت کرده که گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر «روح را در آیه «یسئلونک عن الروح پرسیدم و آنحضرت فرمود: «خلق اعظم من جبرئیل و میکائیل، کان مع رسول الله (ص) و هو مع الائمة و هو من الملکوت [۲۷] یعنی این روح، خلقی است از مخلوقات خدا بزرگتر از جبرئیل و میکائیل که به همراه رسول خدا (ص) بوده و همراه امامان نیز هست و او از عالم ملکوت (و مجردات و فرشتگان) است. و در روایتی که صفار در کتاب بصائر الدرجات روایت کرده اینگونه است که امام صادق علیه السلام فرمود: «ان الروح خلق اعظم من جبرئیل و میکائیل، کان مع رسول الله (ص) یسده و یرشده و هو مع الاوصیاء من بعده. و بلکه در پاره‌ای از روایات آمده که «روح القدس که نامش در قرآن کریم و در روایات آمده نام همین فرشته بود نه نام جبرئیل و نام جبرئیل روح الامین است که در قرآن کریم نیز آمده است. نگارنده گوید: با توجه بدانچه ذکر شد بنظر میرسد این قول دوم نزدیک تر به ذهن و اولی به پذیرفتن و قبول باشد و از نظر عقل و نقل مانعی برای پذیرفتن آن بنظر نمیرسد و از آنجا که این بحث چندان رابطه‌ای با بحث تاریخی ما نیز ندارد بهمین مقدار اکتفا کرده و برای تحقیق بیشتر شما را بکتابهای کلامی و حدیثی دیگری که بتفصیل در اینباره بحث کرده‌اند ارجاع داده و بدنبال بحث تاریخی خود باز میگردیم.

- [۱] التقریب نووی ص ۳ (مطبوع در مقدمه شرح صحیح بخاری کرمانی چاپ بیروت).
- [۲] نهج البلاغه خطبه ۱۹۰.
- [۳] علل الشرایع ص ۱۴.
- [۴] تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۰۱.
- [۵] مناقب ج ۱ ص ۴۵.
- [۶] شرح نهج البلاغه ج ۱۳ ص ۲۰۸- ط جدید.
- [۷] زید بن عمرو بن نفیل از حنفاء بوده است که در گذشته بتفصیل در مقاله‌ای جداگانه شرح حالش را ذکر کردیم.
- [۸] الصحیح من السیره ج ۱ ص ۱۵۸.
- [۹] الروض الانف ج ۱ ص ۲۵۶.]
- [۱۰] الصحیح من السیره ج ۱ ص ۱۶۰.
- [۱۱] بنقل از کتاب جنه الماوی قاضی طباطبائی.
- [۱۲] بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۷۱.
- [۱۳] سیره النبویه ابن کثیر ج ۱ ص ۳۹۱.
- [۱۴] بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۷۱.
- [۱۵] بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۷۱-۲۸۱.
- [۱۶] سوره شوری آیه ۱۳.
- [۱۷] سوره نحل آیه ۱۲۳.
- [۱۸] سوره بقره آیه ۱۳۰.
- [۱۹] سوره نساء آیه ۱۶۳.
- [۲۰] الغدیر ج ۹ ص ۲۸۷، بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۷۸.
- [۲۱] الاصول من الکافی باب طبقات الانبیاء و الرسل و الائمه ج ۲.
- [۲۲] الاصول من الکافی باب الفرق بین الرسول و النبی و المحدث ج ۱.
- [۲۳] الاصول من الکافی باب طبقات الانبیاء و الرسل.
- [۲۴] بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۷۸.
- [۲۵] در میان پیمبران الهی پیغمبران دیگری نیز بوده‌اند که در کودکی و نوجوانی به مقام نبوت رسیده‌اند مانند عیسی که خداوند درباره‌اش فرمود «و آتیناه الحکم صبیا» و یوسف که خداوند درباره‌اش فرمود «و اوحینا الیه لتنبئنهم بامرهم هذا» و بگفته بسیاری از مفسران منظور از این وحی، وحی نبوت بوده.
- [۲۶] بحار الانوار ج ۱۶ ص ۳۴۱.
- [۲۷] سوره شوری آیه ۵۲.
- [۲۸] سوره اسری آیه ۸۵.
- [۲۹] بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۵۶.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

